

این درس شامل یادآوری پایه های هفتم، هشتم و نهم متوسطه ی اول می باشد که در نوع خود اساسی و با اهمیت است . به تفکیک انواع کلمه (اسم . فعل . حرف) ، هر یک را مورد بررسی قرار می دهیم.

۱. اسم

تمرین

۲. فعل

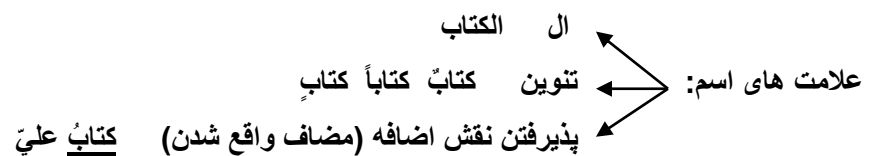
تمرین

۳. حرف

تمرین

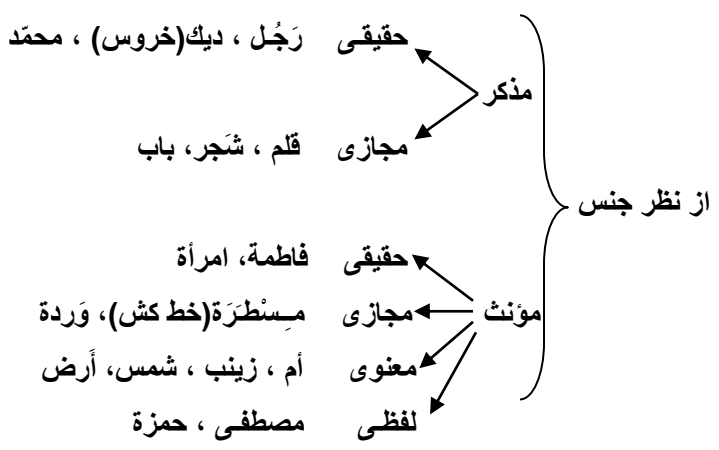
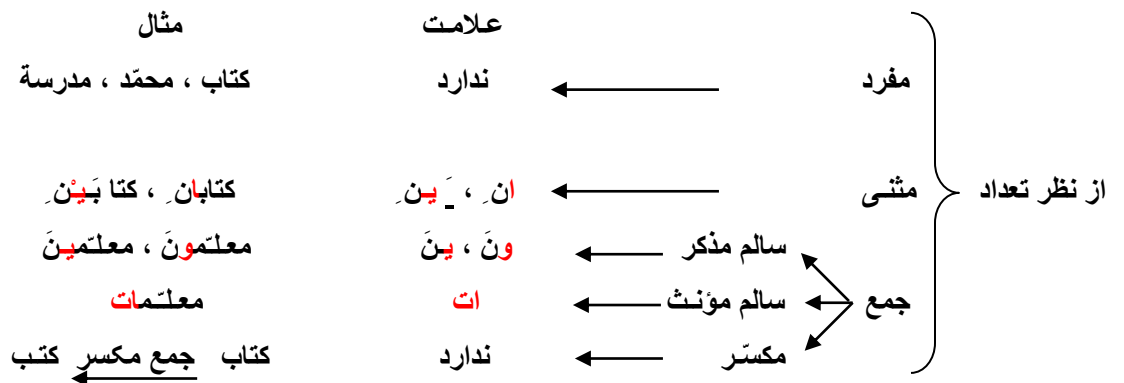
۱. اسم:

کلمه ای است که بر موجودات جاندار و بی جان اطلاق شده و زمان و صیغه ندارد.



** باید توجه داشت که : هیچ یک از این سه علامت ، با هم در اسمی جمع نمی شوند . به عبارتی دیگر، یک اسم نمی تواند هم تنوین داشته باشد و هم " ال " ، یا هم مضاف باشد و هم " ال " یا تنوین بگیرد .

تقسیم بندی ها:



-توضیح:

مذکر حقیقی: شامل انسان یا حیوانی که حقیقۀ مذکر است.

مذکر مجازی: شامل غیرانسان یا حیوانی که حقیقۀ مذکر نیست، اما چون علامت های مؤنث را ندارد، به آن ها مذکر می گوئیم، مثل اشیاء یا گیاهان.

مؤنث حقیقی: شامل انسان یا حیوانی که حقیقۀ مؤنث است و یکی از علامت های مؤنث را (ة ، ی ، اء) هم دارد.

مؤنث مجازی: شامل انسان یا حیوانی که حقیقۀ مؤنث نیست، اما یکی از علامت های مؤنث را دارد، مثل اشیاء یا گیاهان.

مؤنث معنوی: در حقیقت مؤنث است، اما علامت های مؤنث را ندارد و از معنی یا از تمرین ها می فهمیم که مؤنث است.

مؤنث لفظی: شامل انسان مذکری می شود که در ظاهر کلمه علامت مؤنث را دارد، اما چون کلمه اش علامت مؤنث را دارد، در مجموعه ی مؤنث ها قرار می گیرد.

-علامت های مؤنث: ة (تاء گرد که متداول ترین است) / ی (الف مقصوره) / اء (الف ممدوده)

***توجه:** انواع مذکرومؤنث صرفاً جهت اطلاع بیان شد و دانستن نام آن ها مطابق با اهداف کتب نظام جدید نمی باشد، اما آگاهی از انواع آن خالی از لطف نیست.

***مهم:** اگر اسم مثنی یا جمع سالم مذکر مضاف واقع شوند، نونشان می افتد.

مانند: کتابین علیّ و معلمون المدرسة ← معلمو المدرسة
والدان + ی والدای (پدر و مادرم)

***مهم:** در جمع سالم مؤنث ات باید زائد برمفرد کلمه باشد، یعنی اگر آن را حذف کنیم، مفرد آن باقی بماند. بنابراین کلماتی مانند "أصوات، أموات، أبيات" که در صورت حذف ات مفردشان باقی نمی ماند، جمع مکسرند و مفردشان به ترتیب "صوت، مَيّت (یا مَيّت)، بَيّت" می باشد.

تمرين اسم :

ألف) عَيِّنِ المفرد و المثني و الجمع في العبارات التالية :

١. « إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ . »
٢. الإِيمَانُ قَوْلٌ وَ عَمَلٌ وَ هُمَا أَخْوَانٌ شَرِيكَانِ .
٣. « لَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ مُبَيِّنَاتٍ . »
٤. مَنْ اسْتَوَى يَوْمًا هُوَ فَهُوَ مَغْبُونٌ .

ب) اكتب المفرد لهذه الجموع :

أحرار :	أمانات :	أحياء :	أموات :
أولياء :	الكافرون :	قبور :	أسرار :
إخوان :	صدور :	مصارع :	قادة :
عقول :	النسبنة :	نانبات :	مطامع :

ج) غَيِّرِ الجُمْلَ التالية إلى المثني :

١. الصَّدِيقُ الوَفِيُّ يُسَاعِدُ صَدِيقَهُ .
٢. الطَّالِبُ الذَّكِيُّ لَا يَقْضِي وَقْتَهُ بِالْبَطَالَةِ .
٣. صفوفُ المدرسةِ كبيرةٌ .

د) عَيِّنِ المذکر و المؤنث و أنواعهما :

١. إِنْ النَفْسَ لِأَمَارَةٍ بِالسَّوْءِ .
٢. كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُنْيَا .
٣. الدُّنْيَا سَاعَةٌ فَاجْعَلُوهَا طَاعَةً .
٤. إِنْ شَمْسَ الْهَدَايَةِ تَشْرُقُ مِنْ بَيْتِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ (س) .
٥. كَانَ حَمْزَةَ عَمِّ رَسُولِ اللَّهِ (ص) .

۲. فعل :

کلمه ای است که دارای زمان و صیغه (شخص) مشخصی است .

ماضی : بر گذشته دلالت دارد . مضارع : بیانگر زمان حال است . امر : می خواهیم کسی برایمان کاری انجام دهد. نهی : می خواهیم کسی برایمان کاری انجام ندهد. مستقبل: بیانگر زمان آینده است.	}	زمان (بر اساس نظام جدید متوسطه)
--	---	------------------------------------

* مشخصات:

-ماضی: اول فعل علامت ندارد، اما آخر آن در بعضی از صیغه ها ضمیر دارد، مانند: كَتَبْتُ، كَتَبْتُمْ

-مضارع: اول فعل ی، ت، ا، ن (أَتَيْنَ) و آخر آن در بعضی از صیغه ها ضمیر با نون دارد، مانند: يَكْتُبُ، تَكْتُبُونَ، أَكْتُبُ، نَكْتُبُ

-امر: فقط مخصوص صیغه های مخاطب است / اول آن ممکن است همزه داشته باشد / آخر آن در بعضی از صیغه ها ضمیر بی

نون دارد / آخر آن در صیغه های مفرد ساکن است، مانند: أَكْتُبُ (بنویس)، جَاهِدْ (مبارزه کن)، اجلسوا (بنشینید)

-نهی: مخصوص تمام صیغه هاست / اول آن حرف "لا" دارد / اول فعل، حروف مضارع دارد / آخر آن در بعضی از صیغه ها

ضمیر بی نون دارد / آخر آن در صیغه های بی ضمیر ساکن است، مانند: لَا يَكْتُبُ (نباید بنویسد)، لَا تَكْتُبُ (ننویس)،

لَا تَجْلِسِي (ننشین)، لَا تَذْهَبُوا (نروید)، لَا أَكْسَلُ (نباید تنبلی کنم) ، لَا نَفْشَلُ (نباید شکست بخوریم)

-مستقبل: خود فعل، مثل مضارع است، تنها فرقی که دارد این است که اول آن یا سَنَ یا سَوْفَ وجود دارد، مانند:

سَيَكْتُبُ (خواهد نوشت) ، سَوْفَ تَكْتُبُونَ (خواهید نوشت)، سَوْفَ أَكْتُبُ (خواهم نوشت)، سَنَكْتُبُ (خواهیم نوشت)

*توجه: دو زمان ماضی و مضارع، گاهی به تنهایی ذکر می شوند و گاهی با حرف "قد" و گاهی با یکی از صیغه های "کان" یا بایک

ماضی یا مضارع دیگر؛ در آن صورت مفهوم فعل (در ترجمه ی فارسی) کمی تغییر می کند:

- قد + فعل ماضی ————— ← ماضی نقلی فارسی (خود "قد" ترجمه نمی شود) مثال: قَدْ ذَهَبَ: رفته است

- قد + فعل مضارع ————— ← مضارع التزامی فارسی (قد: شاید، گاهی، امکان دارد، احتمالاً یا یکی از کلمات غیر تأکیدی فارسی)

مثال: قَدْ يَكْتُبُ (شاید یا ممکن است یا احتمالاً یا .. بنویسد)

- کان + (قد) + فعل ماضی ————— ← ماضی بعید فارسی (حرف قد ممکن است ذکر شود یا نشود) مثال: کان قد ذهب (یا) کان ذهب:

رفته بود .

- کان + فعل مضارع ————— ← ماضی استمراری فارسی مثال: کان يذهب : می رفت

۱. در مورد آخر می تواند بجای کان ، فعل ماضی بیاید .
۲. فاعل می تواند بین کان و فعل اصلی قرار گیرد .

توجه (۲):

الف) افعال مضارع ، تمام حرکات را می پذیرند (غیر از کسره که مختص اسم است): فتحة ، ضمه و ساکن .

ب) حالت جزم مخصوص فعل است (یعنی آخر فعل یا ساکن باشد یا نون نداشته باشد) .

ج) ن در جمع مؤنث غائب و مخاطب، ضمیر و شناسه است و با بقیه ی نون ها تفاوت دارد.

در این جا نمونه ای از صرف فعل را در زمان های مختلف نشان می دهیم :

مستقبل	نهی	امر	مضارع	ماضی	
سَيَذْهَبُ یا سَوْفَ يَذْهَبُ (خواهد رفت)	لا يَذْهَبُ (نبایدبرود)	-----	يَذْهَبُ	ذَهَبَ	مفرد مذکر غائب (للغائب)
سَيَذْهَبَانِ یا سَوْفَ يَذْهَبَانِ (خواهند رفت)	لا يَذْهَبَانِ (نبایدبروند)	-----	يَذْهَبَانِ	ذَهَبَا	مثنای مذکر غائب (للغائبَيْنِ)
سَيَذْهَبُونَ یا سَوْفَ يَذْهَبُونَ (خواهند رفت)	لا يَذْهَبُوا (نبایدبروند)	-----	يَذْهَبُونَ	ذَهَبُوا	جمع مذکر غائب (للغائبِينَ)
سَتَذْهَبُ یا سَوْفَ تَذْهَبُ (خواهد رفت)	لا تَذْهَبُ (نبایدبرود)	-----	تَذْهَبُ	ذَهَبْتَ	مفرد مؤنث غائب (للغائبة)
سَتَذْهَبَانِ یا سَوْفَ تَذْهَبَانِ (خواهند رفت)	لا تَذْهَبَانِ (نباید بروند)	-----	تَذْهَبَانِ	ذَهَبْتَا	مثنای مؤنث غائب (للغائبتَيْنِ)
سَيَذْهَبْنَ یا سَوْفَ يَذْهَبْنَ (خواهند رفت)	لا يَذْهَبْنَ (نباید بروند)	-----	يَذْهَبْنَ	ذَهَبْنَ	جمع مؤنث غائب (للغائبات)
سَتَذْهَبُ یا سَوْفَ تَذْهَبُ (خواهی رفت)	لا تَذْهَبُ (ترو)	اِذْهَبْ	تَذْهَبُ	ذَهَبْتِ	مفرد مذکر مخاطب (للمخاطب)
سَتَذْهَبَانِ یا سَوْفَ تَذْهَبَانِ (خواهید رفت)	لا تَذْهَبَا (تروید)	اِذْهَبَا	تَذْهَبَانِ	ذَهَبْتَا	مثنای مذکر مخاطب (للمخاطبتَيْنِ)
سَتَذْهَبُونَ یا سَوْفَ تَذْهَبُونَ (خواهید رفت)	لا تَذْهَبُوا (تروید)	اِذْهَبُوا	تَذْهَبُونَ	ذَهَبْتُمْ	جمع مذکر مخاطب (للمخاطبِينَ)
سَتَذْهَبِينَ یا سَوْفَ تَذْهَبِينَ (خواهی رفت)	لا تَذْهَبِي (ترو)	اِذْهَبِي	تَذْهَبِينَ	ذَهَبْتِ	بیمفرد مؤنث مخاطب (للمخاطبة)
سَتَذْهَبَانِ یا سَوْفَ تَذْهَبَانِ (خواهید رفت)	لا تَذْهَبَا (تروید)	اِذْهَبَا	تَذْهَبَانِ	ذَهَبْتَا	مثنای مؤنث مخاطب (للمخاطبتَيْنِ)
سَتَذْهَبْنَ یا سَوْفَ تَذْهَبْنَ (خواهید رفت)	لا تَذْهَبْنَ (تروید)	اِذْهَبْنَ	تَذْهَبْنَ	ذَهَبْتُنَّ	جمع مؤنث مخاطب (للمخاطبات)
سَأَذْهَبُ یا سَوْفَ أَذْهَبُ (خواهم رفت)	لا أَذْهَبُ (نبایدبروم)	-----	أَذْهَبُ	ذَهَبْتُ	متکلم وحده (للمتکلم وحده)
سَأَذْهَبُ یا سَوْفَ نَذْهَبُ (خواهیم رفت)	لا نَذْهَبُ (نباید برویم)	-----	نَذْهَبُ	ذَهَبْنَا	متکلم مع الغير (للمتکلم مع الغير)

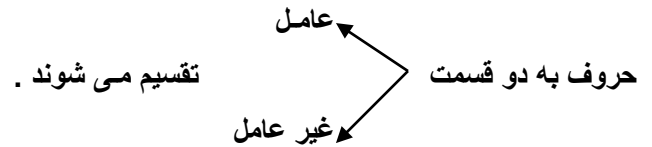
تمرین فعل :

الف (عَيْنُ الأفعال و أنواعها في هذه العبارات :

- « أَحْسِنُ كَمَا أَحْسَنَ اللهُ إِلَيْكَ . »
- « وَ لَسْنَا سَاءَ لِنْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَ الأَرْضِ لِيَقُولَنَّ اللهُ . »
- « إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ . »
- « وَ إِذْ قَالَ لِقَمَانُ لِابْنِهِ وَ هُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ . »
- « يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ . »
- « فَانظُرْ إِلَى آثَارِ رَحْمَةِ اللهِ كَيْفَ يُحْيِي الأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا . »
- « وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوالديهِ حُسْنًا وَ إِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا . »

۳. حرف :

کلمه ای است که به تنهایی معنای خاصی ندارد و با کلمه یا کلمات قبل و بعد از خود، مفهوم می یابد. مانند: فی، إلی، علی، مِن، ما، نفی، ال و ..



-دانستن نامشان مهم نیست.

حروف عامل : حروفی هستند که بر اعراب کلمه ی بعد از خود تأثیر می گذارند ؛ و عبارتند از :

(الف) حروف جر، که قبل از اسم می آیند و آن را مجرور می کنند .

مانند : فی ، إلی ، علی ، مِن ، عَن ، حتی (اگر قبل از اسم بیاید.) ، بِ ، لِ ، كَ ، حروف قَسَم (وَ ، بِ ، تَ) و ...

(ب) حروف ناصبه ، که قبل از فعل مضارع می آیند و آن را منصوب می کنند. (إن شاء الله سال یازدهم می خوانیم).

و عبارتند از: اَنْ ، لَنْ ، كَيْ ، اِذَنْ ، حتى (قبل از فعل مضارع) ، لِ (قبل از فعل مضارع).

(ج) حروف جازمه ، که قبل از فعل مضارع می آیند و آن را مجزوم می کنند. (إن شاء الله سال یازدهم می خوانیم).

و عبارتند از: لَمْ ، لَمَّا ، لِ (لام امر)، لای نهی [که این حروف، یک فعل را مجزوم می کنند]. و اِنْ ، مَنْ ، ما [که دو فعل را مجزوم می کنند].

حروف غیر عامل : حروفی هستند که هیچ تأثیری بر اعراب کلمه ی بعد از خود ندارند . مانند :

(الف) حروف عطف ، مانند : وَ ، فَ ، ثُمَّ ، لَكِنْ ، بَلْ (به معنی بلکه) ، أَوْ ، لا (در بعضی جمله ها به معنی نه این و نه آن) و ...

(ب) حروف نافیهِ ، مانند : لا (معمولاً قبل از فعل مضارع) ، ما (معمولاً قبل از فعل ماضی).

(ج) حروف استفهام ، که عبارتند از : أ ، هل .

(د) حروف استثناء ، که عبارت است از : إلا .

و بعضی حروف دیگر که در بحث ما نمی گنجد .

*توجه: بعضی از حروف را در ترم دوم سال دهم و بعضی را در ترم دوم سال یازدهم می خوانیم.

تمرین حرف :

عَيِّنْ أَنْوَاعَ الْحُرُوفِ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ :

۱. « إِذْهَبْ أَنْتَ وَأَخُوكَ بِآيَاتِي وَلَا تَنِيَا فِي دُعْرِي . »

۲. « يُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ . »

۳. « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ . »

«وزن»

بحث مهم دیگر: وزن کلمات

تمام اسم ها و فعل ها دارای وزن هستند، یعنی بر اساس سه حرف ف ، ع ، ل سنجیده می شوند. دانستن وزن کلمات بسیار مهم است و تا کنکور برایمان مفید خواهد بود. وزن کلمات با آهنگین بودنشان به دست می آید. باتمرینات بسیار می توان در این بحث ماهر شد.

مثال در اسم:

وزن	کلمه
فَاعِلِ	عَامِلِ
مُفْعِلِ	مُؤْمِنِ
مُفَاعِلِ	مُجَاهِدِ
فَعَالِ	عَقَارِ
مَفْعَلَةٌ	مَدْرَسَةٌ
مِفْعِيلِ	مِسْكِينِ
مَفْعِلِ	مَغْرِبِ
أَفْعَلِ	أَكْبَرِ
مَفَاعِلِ	مَسَاجِدِ
مُفَاعَلَةٌ	مُسَافِرَةٌ

مثال در فعل:

وزن	کلمه
فَعَلْتِ	ذَهَبْتِ
تَفْعَلُونَ	تَكْتُبُونَ
أَفْعَلْتُمْ	أَحْسَنْتُمْ
تَتَفَعَّلِينَ	تَتَقَدَّمِينَ
فَعِلْ	حَرِّكْ
فَاعَلْتُ	شَاهَدْتُ
انْفَعِلُوا	انْقَلِبُوا
لَا تَفْعَلُوا	لَا تَرْسُبُوا
تَسْتَفْعِلُونَ	تَسْتَغْفِرُونَ

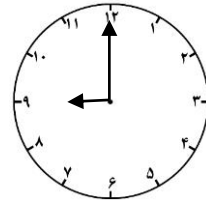
«ساعت»

بحث مهم دیگر: ساعت

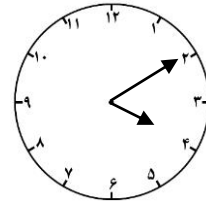
نکات مهم :

۱. در نوشتن ساعت، به ترتیب : ساعت، دقیقه و ثانیه نوشته می شود.
۲. خود ساعت: عدد ترتیبی، دقیقه و ثانیه: عدد اصلی
۳. اگر بخواهیم بگوییم مقدار دقیقه ای از یک ساعتی گذشته، از "و" استفاده می کنیم.
۴. اگر بخواهیم بگوییم مقدار دقیقه ای به یک ساعتی مانده، از "إلا" استفاده می کنیم.
۵. درآموزش های مدرسه ای برای خود ساعت، عقربه ی کوچک دقیقاً روی عدد مورد نظر قرار می گیرد.
۶. ربع: ربع / ۲۰ دقیقه: ثلث / ۳۰ دقیقه: نصف / ساعت کامل: .. تماماً

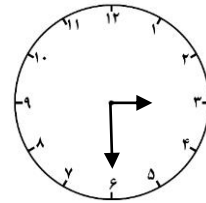
مثال: . التاسعة تماماً



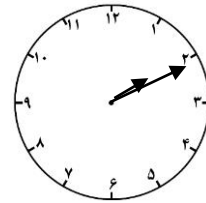
. الزابعة و عشر دقائق



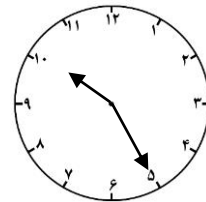
. الثالثة و النصف



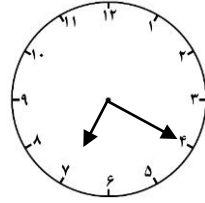
. الثانية و إحدى عشرة دقيقة



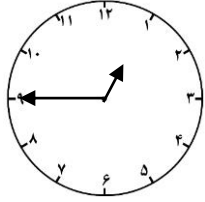
. العاشرة و خمس و عشرون دقيقة



. السابعة و التُّلث يا السابعة و عِشرون دقيقة



. الواحدة إلا رُبْعاً (يا الثانية عشرة و خمس وأربعون دقيقة)



*توجه: در آزمون ها سوال های مربوط به ساعت، به این صورت ها است:

۱. اكتب السَّاعَةَ حَسَبَ الشَّكْلِ. (شكل ساعت داده می شود و مخاطب باید ساعت مربوط به آن را بنویسد.)
۲. كم السَّاعَةَ؟ (شكل ساعت داده می شود و مخاطب باید ساعت مربوط به آن را بنویسد.)
۳. ارسُم عَقاربَ السَّاعَةِ. (ساعت مورد نظر نوشته شده و مخاطب باید عقربه های مربوط به آن را روی شکل بکشد.)
۴. هل السَّاعَةُ صَحِيحَةٌ أَوْ لَا؟ (شكل ساعت داده می شود و ساعتی به صورت صحیح یا غلط نوشته می شود و مخاطب باید درستی یا نادرستی آن را مطابق شکل تشخیص دهد.)
۵. اِمْلَأِ الْفَرَاغَ عَنِ السَّاعَةِ. (شكل ساعت داده می شود و نوشتن آن به صورت جای خالی است.)
۶. كم السَّاعَةَ؟ (شكل داده نمی شود و مخاطب باید بر اساس ساعت خود در لحظه ای که آزمون می دهد به آن پاسخ دهد! بنابراین هرکس یک ساعت را خواهد نوشت!)
۷. ممکن است سوال مربوط به ساعت به صورت غیرمستقیم در سوال درک مطلب بیاید و در مورد آن سوال شود.

